

مدیریت ارشاک

ماهنامه تحلیلی، آموزشی و اطلاع‌رسانی / شماره ۶ / آبان‌ماه ۱۳۸۹ / ۳۰۰۰ تومان

گفت‌وگو با مشاور اطلاع‌رسانی
ورسانه‌ای رئیس‌جمهور

**پاتریک یون دولتی، سانسور
و ممنوعیت ماهواره مخالفم**

**احمدی نژاد گفت نظرش
به من خیلی نزدیک است**

پرونده‌ای متفاوت از حضور بازاربان در سیاست
۱۸ ساعت برنامه‌ریزی بزرگان بازار برای ترور حسنعلی منصور
جلسات منظم بازاربان با شاپور بختیار

پرونده تشریفات سیاسی در گفت‌وگو با:
مدیر کل تشریفات نهاد ریاست جمهوری،
سفیر پیشین ایران در کانادا، مدیر کل تشریفات مجلس،
رئیس پیشین تشریفات نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل و...



رئیس پیشین تشریفات نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل تشریح کرد: آداب، اتیکت و ترتیبات تشریفات تجمل‌گرایی رفتاری غیر تشریفاتی است

■ عباس رضایی‌ثمرین

Abbas.rezaeisomarin@gmail.com

علی محمد بیدارمغز را استاد مسلم تشریفات در کشور می‌شناسند. وی مدت ۵ سال رئیس تشریفات نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل بوده است و صاحب تألیفات زیادی درباره چربایی و چگونگی انجام تشریفات است. از طرفی وی را می‌توان داعیه‌دار و مدافع امر تشریفات در مقابل کسانی دانست که آن را امری زائد یا مترادف با اسراف معنا می‌کنند. دفاعیات بیدارمغز یک ویژگی مهم دارد؛ دفاع از تشریفات با توجه به مبانی دینی، گویی او هم می‌داند تشریفات اگر هم مقبول باشد اما بدون مشروعیّت و توجیه دینی چیزی در حد گوشت مکروه است، خاصه در مملکتی که به واسطه یک انقلاب دینی که بنا بر اقرار تاریخ انقلاب، کوخ‌نشینی‌اش، کاخ‌نشینی‌اش را به زمین گرم زدند. از اولین روزهای پس از انقلاب، «طاغوتی بودن» صفت تشریفات شد و بر عدم رعایت آن تأکید اما با گذشت زمان و درک ضرورت‌ها و تحمیل ملزومات زندگی بین‌المللی، تشریفات آهسته‌آهسته به صحنه سیاست ایران بازگشت. پس از گذشت ۳۰ سال از انقلاب سال ۵۷ همچنان بحث اینکه تشریفات از مظاهر کاخ‌نشینی بوده و رعایت آن بویژه در سیاست امری مذموم است، از گوشه و کنار شنیده می‌شود. مصاحبه ما با بیدارمغز و دفاعیه وی از تشریفات را بخوانید.

■ آقای بیدارمغز! پرسش‌هایم را با یک ذهنیت جا افتاده در میان عموم مردم آغاز می‌کنم؛ واژه «تشریفات» در ذهن عموم تجمل‌گرایی و صرف هزینه‌های غیر ضروری و آنچنانی را تداعی می‌کند. مرز بین این دو مفهوم چیست و چرا چنین ذهنیتی شکل گرفته است؟

از توجه جنابعالی و همکارانتان به مقوله تشریفات متشکرم و امیدوارم عرایض بنده مورد پسند خوانندگان فهیم و خوش‌ذوق نشریه شما قرار گیرد. برای اینکه بتوانیم در رابطه با تفاوت تشریفات و تجملات بحث کنیم، لازم است یک

مبحث تاریخی را مطرح کنم. قبل از انقلاب مباحثی همچون مناهای و نواهی اسلامی به تشریفات اضافه شد، مثلاً سرو برخی از نوشیدنی‌ها یا برخی از کارهای تجمل‌گرایانه به اسم تشریفات در کشور انجام می‌گرفت. اما وقتی انقلاب شد ما همه مسائلمان را در ظرف انقلاب ریختیم؛ انقلابی که عنوان «اسلامی» داشت. وقتی قرار بود تمام کارهایمان اسلامی باشد، طبعاً باید تشریفاتمان هم اسلامی می‌شد. در ابتدا و به دلیل انجام امور غیراسلامی که قبل از انقلاب به نام تشریفات انجام می‌شد، تصور غالب این بود که آنچه تشریفات نام دارد، تجملات، اسراف، تبذیر و مواردی از این دست است. به خاطر همان موارد بود که حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم عموم مردم وقتی که می‌خواستند تأکید کنند که مراسم و دیدار و میهمانی از اسراف و تبذیر به دور باشد، می‌گفتند که تشریفات نباشد. اما واقعیت این است که ما آن امور را برابر با تشریفات راستین نمی‌دانستیم.

■ در همان سال‌های اول انقلاب برای زدودن این ذهنیت منفی اقداماتی انجام شد؟

بله، در اداره کل تشریفات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در دهه اول انقلاب یک کمیته تحقیق تشکیل شد و حدود ۱۰ جلد کتاب تحت عناوینی همچون تشریفات عمومی، تشریفات مذاکره، تشریفات سازمان‌های بین‌المللی و غیره به رشته تحریر درآمد که عمدتاً مبتنی بر تشریفات معمول بین‌المللی بود. سپس مندرجات این کتاب‌ها به تأیید صاحب‌نظران اسلامی رسید و تمام موارد مطروحه در آنها یک به یک بررسی و آنچه که خلاف آیات کریمه قرآن مجید، سیره و فرمایشات رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (س) و ارزش‌های انقلاب اسلامی بود حذف و باقی مطالب به عنوان تشریفات مرسوم در جمهوری اسلامی ایران مد نظر قرار گرفت.

■ با توجه به ذهنیت مردم درباره «تشریفات» فکر نمی‌کنید بهتر بود برای تدوین تشریفات انقلابی باید از واژه دیگری استفاده می‌کردید تا از این بار منفی واژه تشریفات خلاص شوید؟

بهتر است همین‌جا برای شما و خوانندگان محترمتان روشن کنم که تشریفات از مصدر «تشریف» و ریشه «شرف» می‌آید و شرف در لغت عرب، به معنی مجد و بزرگی است و کسی را شریف می‌دانند که فهیم و دانا و خوش اخلاق باشد. بر این اساس، تشریفات یک کلمه بار مثبت است و ذاتاً از نواهی و مناهای اسلامی

➔
در ابتدای انقلاب
چون مردم تنها با
تشریفات پیش
از انقلاب که به
اعتقاد من اتفاقاً ضد
تشریفات بود، آشنا
بودند در مواجهه
با هر عملی معتقد
بودند که نباید
تشریفات باشد یا
هیچ مراسمی نباید
شامل تشریفات
باشد

فصلهای بعید دارد. به علاوه، در کلام حضرت امام حسن مجتبی (ع) نیز شرف به معنای احترام به قوم و قبیله آمده است. معادل تشریفات در زبان های لاتین، کلمه پروتکل Protocol است و از اصل یونانی Protocolum/n می آید که در یونان قدیم به آن صندوقچه می گفتند که اسناد حقوقی را در آن می نهادند. بعدها پروتکل به ترتیباتی اطلاق شد که برای انجام برخی از کارها لازم بود، از جمله ترتیبات ملاقات مقامات دولتی و سیاسی کشورهای مختلف و نحوه برگزاری مراسم استقبال و بدرقه از آنها و ترتیبات میهمانی برای آنان. در کشورهای عربی، واژه «مراسم» را به جای پروتکل انتخاب کرده اند.

به استناد همین معانی، به نظر من کسانی که در ایران کلمه تشریفات را به جای پروتکل قرار دادند، انتخابشان کاملاً هوشمندانه بود. اکنون هم تشریفات ما اسلامی، شیعی و انقلابی است و از همه پیرایه هایی که پیش از انقلاب به آن سنجاق شده بود، رها شده است. دیگر وقتی می گوئیم تشریفات نباشد، قطعاً مقصود ما اسراف و تبذیر نیست. جالب است بدانید که این کلمه برای برخی از امور غیر مرتبط با دیپلماسی و میهمانی و ملاقات نیز به کار می رود. مثلاً برای انجام امور گمرکی نیز کلمه تشریفات مرسوم است.

■ **اجازه دهید کمی جزئی تر وارد بحث شویم، تشریفات به طور کلی شامل چه مواردی می شود؟**

به طور کلی تشریفات از سه بخش تشکیل شده است: بخشی از تشریفات، آداب است. بخش دیگری از آن اتیکت یا نزاکت و بخش آخر آن هم ترتیبات به معنای ترتیبات قابل قبول برای مراودات، مذاکرات، مراسم، میهمانی و دیدارها در جامعه بین المللی است یا ترتیباتی که در ارتباط با یک مقام خارجی یا دیپلمات های خارجی در یک کشور صورت می گیرد.

■ **ممکن است یک به یک این موارد را واکشافی کنید؟**

بله. بخش اول یعنی آداب، مبتنی بر اخلاق و به معنای حسن سلوک است. حسن سلوک، یکی از اساسی ترین پایه های تشریفات است. به این معنا که هر کاری می کنیم باید مطابق با آیات شریفه قرآن باشد و در چارچوب اخلاق پسندیده باشد تا ما را در مسیر رشد و کمال سیر دهد.

اساساً هر کاری که انجام می دهیم باید آداب آن را رعایت کنیم. در کتب اخلاقی و دینی نیز برای هر عملی، آداب خاص آن کار ذکر شده است. مثلاً آداب نماز از این دست موارد است. در واقع آن چیزی که به روحانی بودن نماز می افزاید، آداب یا همان تشریفات نماز است. یعنی همان مواردی که حضرات امام باقر و امام صادق و نیز علی بن موسی الرضا (ع) در «عیون الرضا» فرموده اند از جمله، پیش از نماز مسواک بزنیم، موها را شانه کنیم و خود را معطر سازیم یا چگونه بایستیم و دست ها موقع ذکر تکبیر، الاحرام و قنوت تا کجا بالا رود. هر کدام از این موارد که به صورت آداب نماز در متون دینی ذکر شده است ده ها برابر ثواب نماز را بیشتر می کند. البته اگر این موارد را انجام ندهیم، نمازمان باطل نیست. اما انجام آنها به حالت روحانی نماز می افزاید. در همه کارهای اجتماعی دیگر همچون غذا خوردن، نشستن، ایستادن، شوخی کردن، مذاکره کردن و... آدابی وجود دارد. این آداب از ارکان اصلی تشریفات است. اضافه می کنم که در زبان انگلیسی، حسن سلوک را با عنوان Good Manners یا Manners می شناسند.

■ **قسمت دومی که از آن با عنوان نزاکت یاد کردید، مشخصاً چه تفاوت هایی با آداب یا همان حسن سلوک دارد؟**

نزاکت معادل واژه اتیکت Etiquette است و فرقی که نزاکت با حسن سلوک دارد این است که حسن سلوک یک کار پسندیده اختیاری است. اشاره شد که سلام کردن حسن سلوک (مستحب) است. اما وقتی کسی سلام کرد، پاسخ آن واجب است. نزاکت هم کم و بیش شبیه یک عمل واجب در ادبیات دینی است. حسن سلوک در همه حال و در همه مکان مقبول است ولی نزاکت تابع زمان و مکان است؛ در جایی خوب است، جای دیگر ناپسند، زمانی مطلوب است و وقتی دیگر مطرود. به عنوان مثال وقتی در ایران می خواهیم از یک در خارج یا وارد شویم، می ایستیم و به هم تعارف می کنیم. حتی اگر در یک راهرو ۱۰ در وجود داشته باشد و چند نفر بخواهند وارد شوند، در مقابل تک تک درها می ایستند و به هم تعارف می کنند، یک عده عقب می روند، یک عده دست روی شانه یکدیگر می گذارند و آنها را به جلو می برند. خارجی ها مفهوم این عرف و ادب ما را نمی دانند و برخی از آنها، این رفتار ما را سوزه کرده اند. مثلاً برخی می گویند ایرانی ها از در بسته می ترسند و وقتی به آن می رسند، عقب عقب می روند، یک نفر را جلو می اندازند و او را هل می دهند تا مطمئن شوند پشت در بسته خبری نیست. اخیراً اتفاقی جالب تری افتاده بود، یک آفریقایی از یک ایرانی پرسیده بود: «آیا واقعاً شما خیال می کنید پشت درهای بسته، ارواح خبیثه کمین کرده اند؟». خارج از ایران، رسم دیگری در این رابطه وجود دارد که تقریباً عکس رفتار

ماست. از این قرار؛ وقتی کسی از دری رد می شود در را برای نفر پشت سری خود نگاه می دارد. اگر کسی این رسم را رعایت نکند، می گویند طرف بی فرهنگ و بی نزاکت است. من یک بار در ایران تصمیم گرفتم در رابطه با مسأله از در رد شدن، همچون خارجی ها رفتار کنم و ببینم آیا جواب می دهد یا خیر. بعد از اینکه رد شدم و در را نگاه داشتم، دیدم ۳۰-۴۰ نفری که پشت سر من بودند تک تک رد شدند و به من گفتند دست شما درد نکند! در حالی که انتظار داشتم هر کسی که از در رد می شود، آن را برای نفر پشت سری خود نگاه دارد و در به اصطلاح دست به دست شود. دیدم متأسفانه این رسم در ایران جواب نمی دهد و به کل آن را رها کردم (می خندد).

■ **موارد دیگری از این دست هم به خاطر دارید؟ منظرم کارهایی است که در خارج از کشور مرسوم است و اینجا نیست.**

بله، مثلاً مورد دیگری که می توانم برایتان بگویم اینکه در آنجا نزاکت این است که وقتی خانم ها وارد جلسه می شوند، به خصوص اگر رئیس جلسه باشند، مرد ها به احترام آنها بلند شده و می ایستند. اگر مردی وارد شود، هیچ خانمی به پای او بلند نمی شود. در ایران کاملاً بر عکس است. یعنی اگر یک خانم وارد جلسه ای شود، معمولاً مرد ها به پیش نمی ایستند، در حالی که اگر مردی وارد شد، حتماً خانم ها به پای او می ایستند. این قاعده از نزاکت در ایران چندان رعایت نمی شود.

این سنت آنجا رعایت می شود و در اینجا عکس آن مرسوم است.

■ **اما بخش آخر تشریفات یعنی «ترتیبات» به چه معناست؟**

بخش سوم یا بخش آخر ترتیبات است. ترتیبات به کارهایی اطلاق می شود که برای انجام درست کارهای پیوسته امور بین المللی رعایت می کنیم. مثلاً در کنفرانس های بین المللی یک قاعده کلی این است که هر کس که می خواهد وقت بگیرد و صحبت کند، باید صفحه نام رسمی کشورش را بلند کند و وقت بگیرد و دوبار -یک بار در ابتدا و بار دیگر در انتهای حرف هایش- تشکر کند. مثلاً در ابتدا باید بگوید: «ضمن تشکر از آقای رئیس به دلیل وقتی که در اختیار من قرار دادند» و در انتها نیز از بگوید: «مشتکرم آقای رئیس». دقت کنید کسی که وقت گرفته تا حرف بزند، حتی ممکن است در اثنا سخن، انتقادات بسیار تندی هم از رئیس صورت دهد. اما در هر صورت آن دو تشکر را حتماً باید ذکر کند. قاعده تشریفات دیگری که می توان آن را جزو همین بخش دسته بندی کرد، این است که در جلسات بین المللی اعضای جلسه خطاب به یکدیگر صحبت نمی کنند حتی اگر اعتراضی هم نسبت به یکدیگر داشته باشند، باید خطاب سخنان خود را خطاب به رئیس جلسه مطرح کنند. یا اگر رئیس یک کشور یا رئیس یک دولت در جلسه ای صحبت می کند، کسی حق جواب دادن ندارد. مثلاً شما حتماً بارها مشاهده کرده اید که در هنگام سخنرانی آقای دکتر احمدی نژاد در سازمان های مختلف بین المللی همچون سازمان ملل، ژنو و غیره وقتی ایشان علیه رژیم اشغالگر قدس صحبت می کنند یا از دول غربی انتقاد می کنند، برخی از اعضا جلسه را ترک می کنند. هیچ کس حتی رؤسای دول هم نمی توانند اعتراض کنند و جواب انتقادات را بدهند و در واقع، تنها کاری که آنها قادر به انجام آن هستند، همین ترک کردن جلسه است.

■ **یعنی این ترک جلسه توسط برخی از کشورها رفتاری غیر تشریفات و خلاف ادب محسوب نمی شود؟**

خیر. اتفاقاً این کار عین تشریفات است، چون تنها راه اعتراض به سخنان یک رئیس دولت، ترک کردن جلسه است. این یک قاعده کلی بین المللی است. درست است که این کار از دیدگاه ما خلاف ادب محسوب می شود، اما دقیقاً مطابق با پروتکل های بین المللی است. تکرار می کنم که معترضان هیچ اقدام دیگری نمی توانند کنند. مثلاً نمی توانند بایستند و فریاد بزنند که مثلاً آقای رئیس جمهور صحبت های شما در مورد فلان موضوع صحیح نیست. اساساً چنین حقی برای آنان وجود ندارد. تنها روش اعتراضی که وجود دارد، همان ترک کردن جلسه است. البته این قاعده تنها مختص رؤسای جمهور یا رؤسای دولت ها است اما در سطح سفرای کشورها در سازمان ملل، موارد بسیاری پیش می آید که مثلاً نماینده دائم کشوری در مجمع عمومی، علیه کشور دیگر صحبت می کند، مثلاً این حق برای سفیر کشور دیگر وجود دارد که وقت بگیرد و پاسخ آن حرف های مطرح شده را بدهد. مثلاً در طول سال های دفاع مقدس، بارها و بارها پیش می آمد که سفیر ما و سفیر صدام در سازمان ملل با هم جر و بحث می کردند و این مناقشه تا زمانی که یک طرف کوتاه می آمد، ادامه پیدا می کرد. اما وقتی رئیس کشوری سخن می گوید، همان طور که اشاره کردم هیچ احدی حق حرف زدن و حق اعتراض ندارد و تنها شیوه ممکن اعتراض ترک کردن جلسه است.

■ **فکر نمی کنید این قاعده کمی نامأنوس است؟ اینکه نمی شود هر کسی انتقادی کرد، جلسه را ترک کنیم و بعد هم این ترک جلسه را دستاویز**



امروزه که تشریفات

ما اسلامی، شیعی

و انقلابی است و

از همه پیرایه هایی

که پیش از انقلاب

به آن سنجاق شده

بود، رها شده است،

نمی توان گفت که

این واژه بار

منفی دارد

به این معنا که دبیر کل لیوان حاوی نوشیدنی الکلی خود را به دست گرفته و به افتخار شرکت کنندگان می نوشد. حتی در طول ادوار گذشته خود دبیر کل شخصاً از رئیس کشور ما برای حضور در این میهمانی دعوت به عمل آورد و رئیس کشور ما به او گفت اگر شما این تست را انجام ندهید، شرکت می کنیم و او گفت این کار سنت سازمان ملل است و متأسفانه من نمی توانم از انجام آن چشم پوشی کنم. لذا ما هم در این میهمانی شرکت نکردیم. البته ممکن است در یک میهمانی چندین میز باشد، ولی سر میزی که مقام یا مسؤول ایرانی می نشیند، نباید مشروب سرو شود. علاوه بر بحث مشروب، نکته ای که ما حتماً بر آن تأکید داریم، این است مرد مسلمان نباید با زن نامحرم دست بدهد. این هم از نواهی اسلامی است و طبق فتاوی مراجع عظام کشور نباید انجام شود و این سنت در میان تمام مسؤولان ایرانی لازم الرعایه است. امروزه راهی که برای این موضوع پیدا کردیم این است که در جلسات و کنفرانس هایی که هم مردان و هم زنان حضور دارند، مردهای ایرانی با مردها دست می دهند و زن ها با زن ها.

■ در همین موضوع دست دادن تصور می کنیم اگر یک خانم دستش را به سمت یک مقام ایرانی دراز کند و طرف ایرانی دست ندهد، سوء تفاهماتی ایجاد می شود. برای این گونه موارد معمولاً چه تدبیری اندیشیده می شود؟

هجمه رسانه ای و جنگ روانی قرار دهیم.
فکر می کنم سوء تفاهمی پیش آمد. من از ترک جلسه در هنگام سخنرانی دفاع نمی کنم. من در رابطه با خوب یا بودن این عمل داوری نکردم. سازمان های بین المللی قاعده هایی دارند در واقع یک روز نشستند و اینها را تفاهم کردند بد یا خوب اینها قاعده های تشریفاتی بین المللی هستند. فلسفه قاعده ای که به این شکل وضع شده این است که رئیس دولت یا رئیس جمهور، مقام بسیار بالایی دارد و هیچ کس در هنگام سخنرانی ایشان، حتی رؤسای جمهور و رؤسای سایر دول، حق اعتراض کردن ندارند. اگر چه استفاده تبلیغاتی و ابزاری از این قاعده تشریفاتی به تعبیر شما صحیح نیست، اما ترک کردن جلسه در قیاس با اعتراض کردن و جواب شخص سخنران را دادن، عمل مؤدبانه تری است.

■ ترتیبات مربوط به استقبال و بدرقه مقامات سیاسی در سفرهای خارجی چگونه است؟

وقتی هیأت های خارجی، از سطح معاون وزیر تا سطح رئیس دولت وارد کشور دیگری می شوند، ترتیباتی برای استقبال، پذیرایی، ملاقات ها، مذاکرات، جلسات و بدرقه آنها وجود دارد. شما گاهی اوقات می بینید که رئیس جمهور ما به فرودگاه می رود و شخصاً از یک رئیس دولت خارجی می کند، مواقع دیگری هم می بینید که یک وزیر از یک رئیس دولت خارجی در فرودگاه استقبال می کند و استقبال رسمی در نهاد ریاست جمهوری انجام می شود. این مراسم رسمی نظامی که شما می بینید، معمولاً برای رؤسای دولتها و گاه برای سایر مقامات یا وزیر دفاع انجام می شود. اگر یک وزیر به استقبال یک رئیس دولت یا رئیس کشور رفت، آنها هم در سفر رئیس دولت ما به کشورشان، وزیرشان را به استقبال می فرستند. قاعده این کار هم این است؛ کسی که به استقبال میهمان می رود، حداکثر دو مقام پایین تر از وی می تواند باشد. یعنی مثلاً مقامی پایین تر از وزیر نمی تواند به استقبال رئیس جمهور برود یا مثلاً مقام پایین تر از مدیر کل نمی تواند به استقبال وزیر برود. قاعده دیگری که وجود دارد این است که مثلاً برای معاون وزیر، اتومبیل حامل وزیر با یک موتور سوار اسکورت می شود. کاروان حامل وزیر با یک اتومبیل اسکورت می شود و هیأت های بالاتر ممکن است توسط چندین اتومبیل همراهی شوند.

مثلاً وقتی رئیس جمهور ما برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل تشریف می برند تشریفات اسکورت وی شبیه ترتیبات دیدار رئیس جمهور آمریکا از سازمان ملل است. یعنی تقریباً با همان تشریفات که اوپاما وارد نیویورک می شود، رئیس جمهور ما هم اسکورت می شود.

■ همه رؤسای دولتها در نیویورک به این شکل استقبال می شوند؟

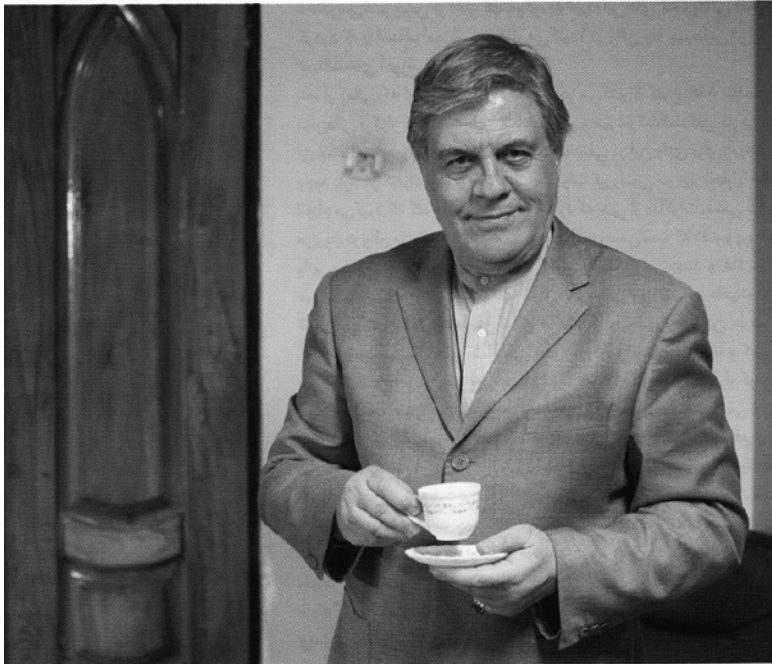
خیر. ما جزو استثنائات هستیم.

■ چرا؟

برای اینکه ما جمهوری اسلامی ایران هستیم. واقعیت قضیه این است که چون دولت آمریکا رویکرد دوستانه ای نسبت به کشور ما ندارد، آنها ترتیباتشان را تا حد ترتیبات و تشریفات حفاظتی رئیس جمهور خودشان بالا می برند تا خدای نکرده اتفاقی نیفتد. در واقع آنها حداکثر حفاظت و تشریفات را رعایت می کنند تا از هر گونه حادثه ناخواسته ای پیشگیری کنند.

■ در مواردی که عرف های بین المللی بر خلاف فرهنگ و ارزش های ما باشد چه اتفاقی می افتد؟

خوب! طبعاً ما مسائلی را که با اصول و ارزش های انقلابی و دینی ما سازگار نباشند، انجام نمی دهیم. مثلاً یکی از تشریفات که بعد از انقلاب تمام مسؤولان ما باید رعایت می کنند این است که هیچ مسؤول ایرانی نمی تواند سر میزی بنشیند که مشروب سرو می شود، چرا که این موضوع یک نهی نبوی است. شیخ صدوق حدیثی از رسول اکرم (ص) نقل می کند با این مضمون که مسلمان سر سفره ای که شراب در آن وجود دارد، نباید بنشیند. در یکی از گزارش های اخیر تلویزیونی نحوه آغاز به کار مجمع عمومی سازمان ملل متحد نشان داده شد. روال کار به این گونه است که پیش از آغاز مجمع یک میهمانی یا همزمان با آن، دبیر کل سازمان ملل به افتخار سران کشورها و دولتها و رؤسای هیأت های شرکت کننده در مجمع عمومی، یک میهمانی برگزار می کند. سی و یک سال از وقوع انقلاب ما می گذرد و ما هرگز در این میهمانی شرکت نکردیم. می دانید که سازمان ملل نزدیک به دویست عضو رسمی دارد و اکثر این اعضا در روز اول مجمع و طبعاً در این میهمانی حضور دارند. یعنی در صورت شرکت در آن میهمانی می توان از حضور آنان بهره گرفت و در مدت کوتاهی، حداقل با ۱۵-۱۰ رئیس جمهور یا مقام بالای دیگر کشورها صحبت و مذاکره کرد. اما ما هرگز این کار را نکردیم، برای اینکه می خواهیم از ارزش هایمان پاسداری کنیم، چرا که در آخر این میهمانی، دبیر کل سازمان ملل یک «تست» مشروب دارد.



سنت دست دادن در دنیا آدابى دارد، مثلاً در هنگام دست دادن، دست شما باید خشک و گرم باشد. ۵-۶ ثانیه باید این فرآیند به طول بینجامد. دست طرف مقابل را باید کمی فشار دهید، ۲-۳ نوبت تکان دهید و همزمان به چشم طرف مقابل نگاه کنید، لیکند بزنی و با وی احوالپرسی کنید و دست دیگران در جیب شلوارتان نباشد. اینها آداب کلی دست دادن است. آداب دیگری نیز بر دست دادن مترتب است که یکی از آنها بحث تقدم است. یعنی اگر استاد و دانشجو می خواهند دست بدهند، این استاد است که در ابتدا دست خود را دراز می کند. در سیستم اداری هم مقام بالاتر حق تقدم دارد. حال اگر خانمی رئیس یک جلسه یا کنفرانس باشد، در دست دادن تقدم دارد. بنابراین همان طور که برای دست دادن با همه دست خود را دراز می کند، به سویی ما نیز دست خود را دراز می کند. ما نمی خواهیم و نمی توانیم دست بدهیم، در عین حال اگر هم دست بدهیم، سوء تفاهم ایجاد می شود و او تصور می کند که به ما به او توهین کرده ایم. چاره چیست؟ در این صورت راهکار ما از اول انقلاب این بوده و هست که پیش از رفتن به جلسه تلفن می کنیم و به طرف مقابل اطلاع می دهیم که آقایان با خانم ها دست نمی دهند و آنها با علم به این موضوع دیگر دست خود را برای دست دادن دراز نمی کنند. وقتی نطق رئیس جمهور یا رئیس هیأت ما در سازمان ملل تمام می شود، قاعده این است که سخنران پس از اتمام سخنرانی بیرون سالن مجمع عمومی می ایستد و جمعی از نمایندگان سایر کشورها صف

➔
به طور کلی
تشریفات از سه
بخش تشکیل شده
است؛ بخشی از
تشریفات آداب
است، بخشی
دیگری از آن آداب
و نزاکت و بخش
آخر آن هم ترتیبات
به معنای ترتیبات
قابل قبول در جامعه
بین المللی یا یک
کشور است

می‌کنند و به رسم تشکر یکی یکی با وی دست می‌دهند در سال‌هایی که من در بخش تشریفات در سازمان ملل مسئولیت داشتم، دو متری رئیس هیأت‌مان می‌ایستادم و به خانم‌هایی که جهت دست دادن می‌آمدند، می‌گفتم که خانم لطفاً با آقای رئیس‌جمهور یا وزیر امور خارجه دست ندهید.

لذا بهترین راهکار در این گونه موارد، پیشگیری و اعلام قبلی است. فکر می‌کنم جز ما یک مقام در بنگلادش هم این کار را انجام داد. اگر اشتباه نکنم خانم «خالده ضیاء» بود که با مردهای نامحرم دست نمی‌داد و دولتشان این مسأله را همچون ما به همه جا بخشنامه کرده بود. این یک سنت اسلامی است، به دلیل اینکه متأسفانه اکثر مسلمان‌ها این سنت را رعایت نمی‌کنند ما کمی در انجام آن غریب هستیم.

■ شما دقیقاً چه سستی در سازمان ملل داشتید؟

من نزدیک پنج سال رئیس تشریفات نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل بودم و پنج مجمع عمومی را تجربه کردم. به خاطر می‌آورم که سازمان ملل دیپلمات‌های جوانی را استخدام کرده بود، وقتی می‌خواستند برخی نکات تشریفاتی را به آنان آموزش دهند از من برای سخنرانی دعوت به عمل آوردند. علاوه بر کار عملی در زمینه تشریفات، من به اصول نظری تشریفات هم تا حد قابل قبولی تسلط دارم. یعنی من هم در بعد نظری و هم در بعد عملی بر امور تشریفات اشراف دارم.

■ فکر می‌کنم پیش از آغاز گفت‌وگو، به میهمانی‌های تشریفاتی اشاره کردید که با اهداف آموزشی برگزار می‌کنید؟ در واقع چه چیزهایی در این ضیافت‌های آموزشی می‌توان آموخت؟

بله، از زمانی که از سازمان ملل آمده‌ام، فکر می‌کنم تا کنون ۱۵۶ میهمانی تشریفاتی برگزار کرده‌ام که هم مقامات ایرانی و هم شرکت‌کنندگان خارجی از آن استقبال خوبی به عمل آورده‌اند. نکات مختلفی در این وادی برای آموختن وجود دارد. در کنفرانس‌های بین‌المللی مذاکرات غیررسمی سر میز ناهار یا شام انجام می‌گیرد که گاه حاصلی قابل توجه دارد که حتی از مذاکرات رسمی فراتر می‌رود. در واقع میز ناهار یا شام همان میز مذاکره رسمی است که دفتر و پرونده را بر می‌دارند و به جای آنها بشقاب و قاشق و چنگال می‌چینند و غذا سرو می‌کنند. میز همان میز است، تنها شکل آن عوض می‌شود، اما ماهیت آن تغییر نمی‌کند. بیشتر روابط بین‌المللی در ابتدا از ارتباط برقرار کردن طرفین آغاز می‌شود. میهمانی‌های تشریفاتی برای خوردن و نوشیدن نیست و کسی برای سیر شدن سر این میز نمی‌آید. هدف شرکت‌کنندگان ارتباط برقرار کردن و مذاکرات غیررسمی است. بسیاری از مسائلی که در مذاکرات رسمی نمی‌توان مطرح کرد می‌توان سر میز ناهار یا شام تشریفاتی به میان کشید. در واقع این میهمانی‌ها بهترین فرصت برای این ارتباط برقرار کردن‌هاست. اما میز تشریفات، خود ادبی دارد. اینکه فرد در مقابل خود تعداد زیادی قاشق و چنگال و بشقاب می‌بیند، باید بداند که به چه شکل آنها را مورد استفاده قرار دهد. وقتی که بر آداب میز مسلط شدیم، می‌توانیم از فرصت بهره برده و مطالب مورد نظر خود را مطرح کنیم.

■ یاد گرفتن این نکات ریز تشریفاتی معمولاً چقدر در توفیق دیپلمات‌ها و سیاستمداران نقش دارد؟

بی‌شک نقش این نکات خیلی حائز اهمیت است. دیپلمات‌ها و مقامات باید با آداب آشنا شوند تا اعتماد به نفس داشته باشند و اگر آشنا نباشند ممکن است اشتباه کنند. مثلاً در هنگام نشست‌ن باید دکمه‌های کت باز و در هنگام ایستادن یا سخنرانی باید دکمه‌های کت بسته باشد. حال اگر کسی در حالی که دکمه‌های کتش باز است سخنرانی کند، نشانه این است که مسائل جدی را مطرح نمی‌کند و حضار حرف‌های او را جدی نمی‌گیرند. این نکته امروز یک قاعده بین‌المللی است که هیچ منافاتی با فرهنگ و ارزش‌های ما هم ندارد. خب چه اشکالی دارد که ما آن را رعایت کنیم؟ اتفاقاً من متقدم بسیاری از قواعد تشریفاتی در نظام بین‌الملل به نوعی در دین خود ما هم مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

■ می‌توانید به چند نکته از این دست اشاره کنید؟

بله، در متون دینی داریم که علی‌بن ابیطالب (ع) لباس وصله‌دار می‌پوشیدند، اما ایشان در رابطه با آداب حضور در میهمانی و دینار با دیگران می‌فرمایند: «وقتی به دیدار دوست می‌روی، خود را برای وی زینت کن». زینت به معنای اینکه آراسته باشی، لباس مرتب بپوش، موهایت را شانه بزنی و کفش تمیز بپوش. حالا در صحنه بین‌الملل هم همین مطلب را داریم. ما می‌گوییم وقتی در کنفرانس‌های بین‌المللی شرکت می‌کنید، لباس مرتب و مناسب با فضای جلسه بپوشید.

■ اگر ممکن است در رابطه این مسأله لباس کمی بیشتر توضیح دهید.

فکر می‌کنم نکته بسیار حائز اهمیتی است.

یکی از جدی‌ترین مسائل من در آموزش تشریفات، بحث رنگ لباس و تنظیم

یا همان «ست کردن» لباس است. مثلاً وقتی کت و شلوار شما رنگ سورمه‌ای داشته باشد، مفهومش این است که شما مقتدرانه حرف می‌زنید. تمام رنگ‌ها معنای مشخصی دارند. شما گاهی اوقات در اجلاس سران هشت کشور صنعتی جهان می‌بینید که همه سران حاضر کت و شلوار هم‌رنگ به تن کرده‌اند. یعنی به این شکل نیست که هر کس هر لباسی دلش بخواهد به تن کند. حتی در رابطه همین موردی که عرض کردم تنها ترانس‌های ۱۰، ۱۱ و رنگ سورمه‌ای است که در جلسات رسمی به کار می‌آید. نکات ریز بسیاری در این رابطه مطرح است، مثلاً در انتخاب جوراب حتماً باید دقت کرد که جوراب هم‌رنگ شلوار باشد. اگر کت و شلوار ما طرح نداشته باشد، اشکالی ندارد که پیراهن طرح‌دار باشد. البته آن‌هم تنها طرح‌های ریز، نه طرح چهارخانه. دیپلمات‌ها هرگز چهارخانه نمی‌پوشند. ضمناً لباس رسمی زمان دارد، یعنی در ایران مثلاً از ساعت ۸ صبح شنبه تا ۴ بعد از ظهر چهارشنبه زمانی است که باید لباس رسمی بپوشید. یعنی اگر هیأتی پنج‌شنبه وارد کشور شد، به شرط اینکه مستقیم به هتل برود و تا شنبه هیچ برنامه‌ای نداشته باشد، اشکالی ندارد که مقام استقبال کننده ما با کاپشن و شلوار کتان به استقبال آن هیأت برود. معتقدم در رابطه با مسأله لباس خیلی باید دقت کرد، چرا که در واقع لباس با دیگران حرف می‌زند. وقتی شما وارد مکانی می‌شوید، پیش از اینکه شما شروع به سخن گفتن کنید، لباس شما حرف می‌زند. تحقیقات نشان داده است که لباس ۵۹ درصد در ایجاد ارتباط با دیگران نقش دارد.

■ حالا اگر کسی این قواعد را رعایت نکند، چه اتفاقی می‌افتد؟

اگر کسی رعایت نکند، این معنا را می‌رساند که وی با قواعد تشریفات بین‌الملل در زمینه لباس آشنایی ندارد.

■ این عدم رعایت تشریفات چه عواقبی در افکار عمومی می‌تواند داشته باشد؟

خوب در صورت عدم رعایت، شما مطابق عرف‌های آن طرف مقابل رفتار نکردید. البته قرار هم نیست که همه افراد همه عرف‌های تشریفات بین‌المللی رعایت کنند، خود من در ابتدای سخن مثال‌هایی زدم از مواردی که ما خودمان به دلیل فرهنگ اسلامی عرف‌های بین‌المللی را رعایت نمی‌کنیم. ضمن اینکه رهبرانی در دنیا وجود دارند که لباس‌های غیرمعمولی می‌پوشند و مطابق عرف رفتار نمی‌کنند.

■ موارد خاصی را به خاطر دارید که در صورت عدم رعایت تشریفات مشکلاتی به بار آمده باشد؟

قطب همین نکته را بگویم که تحقیقات نشان داده است، تنها در بخش معاملات تجاری، سالانه ۲۰ درصد از این معاملات به دلیل عدم رعایت آداب و تشریفات به هم می‌خورد. مثلاً در اروپا رسم است که وقتی هیأت تجاری وارد کشور می‌شود، میزبان هیأت میهمان را به ضیافت ناهار یا شام دعوت می‌کند. در طول ضیافت، قاعده این است که میهمان نباید شروع کننده بحث تجاری باشد، میهمان باید منتظر بماند تا میزبان این کار بحث را شروع کند. اگر این کار را نکنند، آداب را رعایت نکرده و میزبان از رده خاطر می‌شود.

■ زبان بدن افراد نیز شامل این قواعد تشریفاتی می‌شوند؟

بله، زبان بدن هم بخشی از ارتباط است. می‌دانید که زبان بدن خود بخشی از ارتباطات غیرکلامی است. من در این زمینه کتابی با عنوان ارتباطات غیر کلامی نوشته‌ام. مثلاً وقتی حرف می‌زنیم، کلمات تنها ۷ درصد از پیام ما را انتقال می‌دهد، ۲۸ درصد از پیام را آهنگ صدای ما تشکیل می‌دهد و ۵۵ درصد بقیه نیز توسط زبان بدن منتقل می‌شود. یعنی نگاه، حالات صورت، حرکات دست، نحوه ایستادن، نحوه نشستن، ظاهر فرد لباس و... همگی در انتقال پیام ما نقش اساسی دارند.

■ اگر اجازه دهید می‌خواهم بازگردم به بخش اول بحث، به‌رغم توضیحاتی که ارائه کردید، تصور می‌کنم به این زودی‌ها نمی‌توان این لکه تیره تجملات را از پیشانی تشریفات زدود، قبول دارید؟

همان گونه که در صحن سخن گفتم، تشریفاتی که ما تعریف می‌کنیم از اساس ارتباطات غیرکلامی است. من در این زمینه کتابی با عنوان ارتباطات غیر کلامی نوشته‌ام. اسراف و تبذیر و تجملات از مصادیق بسیار بارز رفتارهای غیرتشریفاتی است. ما تشریفاتمان را از ابتدای انقلاب بومی کرده‌ایم و آن را کاملاً طبق آموزه‌های اسلامی تعریف کرده‌ایم. اتفاقاً خود شما بهتر از هر کسی می‌دانید که ما ایرانی‌ها در میهمانی‌های خانوادگی خودمان چگونه اهل بریز و پاش هستیم، وقتی ۱۰ نفر میهمان داریم به اندازه سی، چهل نفر غذا درست می‌کنیم. نظیر این گونه موارد را ما در میهمانی‌های تشریفاتی نداریم. میهمانی‌های تشریفاتی بر خلاف اسمش بریز و پاش ندارد.



تنها راه اعتراض به سخنان یک رئیس دولت ترک کردن جلسه است. این یک قاعده کلی بین‌المللی است. درست است که این کار از دیدگاه ما خلاف ادب محسوب می‌شود، اما دقیقاً مطابق با پروتکل‌های بین‌المللی است.

■ البته از نظر مبانی کاملاً حق با شماست. اما همه می‌دانیم که گاهی در حوزه اجرا اتفاقات دیگری هم چاشنی کار می‌شود.

حداقل در جاهایی که من مسؤولیت داشته‌ام با اطمینان خاطر می‌توانم بگویم که هرگز اجازه ندادم و نمی‌دهم که اسراف صورت گیرد. در میهمانی‌های تشریفاتی که من برگزار کرده و می‌کنم، حداکثر ۱۰ درصد غذا بیشتر از تعداد میهمانان، آن‌هم فقط برای آبروداری درست می‌کنیم. در میهمانی‌های تشریفاتی اگر ما بخواهیم همچون میهمانی‌های خانوادگی ایرانیان غذا درست کنیم، برای صد نفر، حداقل باید به اندازه سیصد نفر غذا درست کنیم. می‌دانید که کار ما به این شکل نیست.

■ جناب بیدار مغز! به نظر می‌رسد بخشی از دلیل اینکه بسیاری تشریفات را برابر با تجمل‌گرایی می‌دانند، زیاده‌روی کسانی است که در مقاطعی دست‌اندرکار تشریفات بوده‌اند و در برخی موارد به اسم تشریفات تجمل‌گرایی کرده‌اند. نظر شما در این رابطه چیست؟

ببینید یک موضوع کلی در این وادی وجود دارد، ممکن است شما هزینه‌ای را تجمل‌گرایی بدانید اما من آن را به عنوان حیثیت کشور نگاه کنم. مثلاً وقتی شما میزبان مقام بالا رتبه خارجی هستید، این میهمان باید در یک هتل استاندارد مثلاً پنج ستاره مستقر شود، چرا که اگر ما این میهمان عالیرتبه را به جای نامناسبی ببریم، فردا که مقام عالیرتبه ما به آن کشور سفر کرد، او را متقابلاً به جای نامطلوبی خواهند برد. برخی هزینه‌ها در راستای حفظ حیثیت و شأن کشور و مقامات قابل قبول است. به عنوان مثال دو سال پیش یک وزیر از آسیای میانه وارد کشور شد، استقبال صحیحی از وی صورت نگرفت، یعنی مقام استقبال‌کننده در سطحی نبود که وی انتظار داشت، ضمن اینکه اتومبیل ارسال شده هم چندان باب طبع وی نبود. نتیجه این شد که وزیر مذکور بعد از ظهر همان روز کشور را به نشانه اعتراض ترک کرد. برای مثال وقتی شما برای میهمان خارجی اتومبیل بنز می‌فرستید، این جزو تجملات نیست، شأن مملکت است.

■ بنابراین هزینه زیاد متضمن رعایت کامل تشریفات نیست؟

شما از بعد منفی به این قضیه نگاه می‌کنید، من بعد مثبت داستان را می‌بینم. در مقابل این حرف شما من هم می‌توانم بگویم، هزینه زیاد لزوماً نشانگر رفتار غیرتشریفاتی و تجمل‌گرایی نیست. یعنی شما از آن طرف وارد می‌شوید و من از طرف مقابل.

■ بالاخره این داستان یک حد و اندازه‌ای دارد، ندارد؟

بله، قطعاً حد و اندازه دارد. مثلاً در ورود یک هیأت خارجی حداکثر پنج نفر از آن هیأت از نظر هزینه‌ها میهمان ما هستند. در سفرهای خارجی ما هم وضعیت به همین شکل است. حداکثر پنج نفر از هیأت ما میهمان آنها هستند. اما اگر شما به کشوری رفتید، آنجا فقط هزینه‌های پنج نفر را تقبل کردند و وقتی آنها به کشور ما آمدند، ما هزینه‌های کل هیأت آنها را تقبل کردیم، بله، در این صورت با شما موافقم که این رفتار کاملاً غیرمتعادل و غیرتشریفاتی است.

■ منظور من هم همین حد و مرزهاست. شاید بخشی از نگاه منفی که نسبت به تشریفات در ذهن عموم شکل گرفته، ناشی از رعایت نکردن همین حد و مرزها باشد.

من معتقدم بخش مهم‌تری از دلیل این نگاه منفی مربوط به این است که مردم نسبت به برخی هزینه‌ها پیش‌داوری نامشخصی دارند. ان‌شاءالله این مصاحبه هم کمک کند تا در ذهن عموم جا بیفتد که هر هزینه‌ای لزوماً تجمل‌گرایی نیست.

■ آقای بیدار مغز! قبول کنید که بخشی از کارها هم زیاده‌روی است، موضوع فقط پیش‌داوری نادرست مردم در رابطه با هزینه‌ها نیست، یعنی شما معتقدید دست‌اندرکاران تشریفات هیچ‌گاه در هزینه‌ها زیاده روی نکرده‌اند؟

ببینید من چنین چیزی نمی‌گویم، حرف من این است که به این شکلی که شما اصرار دارید، حکم کلی نمی‌توان صادر کرد، من می‌گویم باید نشست و مورد به مورد تک تک میهمانی‌ها را بررسی کرد و مبلغ هزینه شده برای هر میهمان را محاسبه نمود. در این صورت است که می‌توان گفت که زیاده‌روی صورت گرفته است یا خیر.

■ به عنوان آخرین سؤال، ارزیابی کلی شما از بحث تشریفات در کشور ما چیست؟

فکر می‌کنم به طور کلی وضعیت مثبتی داریم. اما همانطور که شما اشاره کردید، در ایران خیلی‌ها تشریفات را برابر با تجملات می‌دانند اما مسؤولان تشریفات تلاش بسیار زیادی می‌کنند تا بتوانند این ذهنیت را تغییر دهند. فکر می‌کنم در این بخش باید بیشتر کار کنیم.